



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۵۶

۵ اردیبهشت ۱۳۸۲

۲۵ آوریل ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

تجربه بهشهر: یک پیشروی در مبارزات کارگران

فاتح بهرامی

تظاهرات دهها هزار نفره کارگران و مردم بهشهر بدون شک در زمره وقایع سیاسی مهم ایران در چند ساله اخیر است که از جهاتی یک پیشروی مهم برای طبقه کارگر ایران و قدم رو بجلو دیگری در جنبش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. اهمیت آنچه که در بهشهر اتفاق افتاد محدود به کارگران و مردم خود بهشهر نیست. بلکه همچنین برای کارگران و دیگر مردم سرنگونی طلب در سراسر ایران استنتاجات واقعی و مهمی را درباره نحوه رویارویی و تعیین تکلیف مردم با جمهوری اسلامی از یکطرف و قدرت و پتانسیل اتحاد مبارزاتی مردم علیه رژیم را بدنبال دارد. بهشهر گوشه ای از سیمای آینده را در تقابل بین کارگران و مردم با جمهوری اسلامی ترسیم میکند. ابتدا خلاصه ای از ماجرا: کارگران چیت سازی های بهشهر که نزدیک به دو سال است دستمزدهایشان پرداخت نشده، در ادامه اعتراضات و تظاهرات قبلی برای گرفتن دستمزدهای خود، روز چهارشنبه ۲۷ فروردین دست به تظاهرات میزنند. تجمع و تظاهرات کارگران چیت سازی بلافاصله با حمایت کارگران دیگر کارخانه ها و مردم بهشهر و پیوستن وسیع آنها به تظاهرات منجر میشود. به گفته یکی از مقامات رژیم سی هزار نفر در این تظاهرات شرکت میکنند. در این تظاهرات مردم علیه رژیم و مقامات آن شعار میدهند. رژیم برای سرکوب این اعتراض کارگری از شهرهای دیگر مزدور و نیروی سرکوبگر وارد میکنند. نیروهای سرکوبگر رژیم با باتوم و اسلحه سرد و گاز اشک آور به تظاهرات یورش میبرند که با مقاومت کارگران و مردم و درگیری آنان با مزدوران منجر میشود. در ادامه اعتراضات و مبارزه کارگران رژیم عقب نشینی میکند و مجبور میشود کارگران دستگیر شده را آزاد کند و التماس میکنند که به رژیم مهلت دهند. در ادامه تلاش رژیم برای مهار اوضاع بحرانی بهشهر، مقامات رژیم در جلسه ای با نمایندگان کارگران پیشنهاد پرداخت فوری بخشی از دستمزدها و پرداخت بقیه آنرا در یکماه بعد مطرح میکنند که توسط نمایندگان و همچنین خود کارگران این پیشنهاد رد میشود و کارگران در روز شنبه به رژیم یک روز اولتیماتوم میدهند. بدنبال این اولتیماتوم

صفحه ۴

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر



نور امید آینده عراق

به مناسبت آغاز فعالیت علنی
حزب کمونیست کارگری در سراسر عراق

رحمان حسین زاده



و انسانی را مد نظر دارد تا جامعه عراق از زیر یوغ ارتجاع بینالمللی و محلی و از سیاهی و تباهی خلاص کند. جامعه

صفحه ۲

که واقعا آزادی و برابری و رفاه را برای مردم عراق میخواهد، خوشایند است. این را میدانم که این هنوز گام نخست مرحله اولیالیست که به میدان کشیدن جنبش قوی و گسترده رادیکال

حزب کمونیست کارگری عراق آغاز فعالیت علنی خود را در بغداد و کرکوک و موصل و ناصریه و بعضی شهرهای دیگر عراق اعلام کرده است. نفس این خبر برای هر انسان و جریانی

مصاحبه با اسد گلچینی دبیر کمیته کل کشور



صفحه ۳

معطوف به سازماندهی ارتباطات و تشکیلات حزب کمونیست کارگری در داخل کشور است. کمیته تشکیلات کل کشور بر اساس سیاستهای تعیین شده حزب

هفتگی: کمیته کل کشور چه نوع تشکیلاتی است، چه وظایفی دارد و از چه طریق فعالیتهایش را پیش میبرد؟
اسد گلچینی: کمیته تشکیلات کل کشور ارگانی است که

نامه سرگشاده مریم نمازی به دولت اردن در مورد پناهندگان ایرانی در مرز اردن

صفحه ۲

اول ماه مه خیابانها مال ماست!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

نور امید آینده عراق

عراق در گذشته کشمکشها و تحولات تعیین کننده‌ای را از سر گذرانده است. اگر دور نرویم، در همین نیم قرن اخیر جامعه شاهد سقوط سلطنت و سر کار آمدن سیستم جمهوری، سپس در چارچوب جمهوری وقوع کودتا پشت سر کودتا و جابجایی قدرت حاکمه و دولت بوده و این تحولات هم به نام مردم صورت گرفته است. اما در پی این تحولات کماکان مردم عراق در چتره ارتجاع گرفتار مانده و حاکمیت سیهاترین و خشن‌ترین استبداد و دیکتاتوری را از سر گذرانند که حکومت سیاه بعث نمونه برجسته آن بود. از آنجا که در همین دوره یک سازمان و حزب متعلق به کارگران و مردم وجود نداشت که برای مقابله با این حکومت های سیاه و رهایی انسان از ستم و استثمار و بردگی مزدی و علیه نابرابری و تبعیض و تحقیر به میدان بیاید و مبارزه مردم را سازمان دهد، حاکمیت ارتجاع توانست چند دهه فقر و سرکوب و تحقیر و ستم و تباهی را نصیب مردم کند.

اما امروز، در یک شرایط دیگر و در مقابل حضور انواع و اقسام جریان‌های ارتجاعی در عراق، آلت‌ناتیبو کمونیستی هم فعالیت و حضور علنی خود را در بغداد و شهرهای بزرگ عراق به مردم اعلام میکند، و این یک تفاوت اساسی امروز با دوران گذشته است. حزب کمونیست کارگری عراق با برنامه دنیای بهتر و سیاستهای انسانی و آزادیخواهانه، برای رهایی طبقه کارگر و مردم عراق حضور خود را در صحنه اعلام میکند و تعهد و مسئولیت اجتماعی بزرگ و پیچیدگی را به عهده میگیرد. جامعه عراق در تحول و تلاطم است. در پی جنگ آمریکا رژیم سیاه بعث سقوط کرده است، اما همچنانکه پیش‌بینی کردیم، این اتفاق کوچکترین ربطی به آزادی و رهایی مردم نداشته و ندارد. آلت‌ناتیبوهای سیاه و سناریوهای ضد مردمی که پیش‌ساز مردم عراق قرار گرفته‌اند، هر کدام به تنهایی به اندازه رژیم بعث سیاه و خطرناک برای مردم و امر رهایی و آزادی آنها است. به میدان آمدن افسار گسیخته اسلاميون، سر بلند کردن انواع و اقسام جریان‌های ناسیونالیست و عشیرتی و ادعای هر کدام از اینها برای کنترل امور و داشتن سهمی در قدرت به قیمت پایمال شدن حقوق اولیه مردم، اشغال عراق توسط آمریکا و تلاش برای تحمیل دولت پنتاگونی و چشم‌انداز تاریک پاکسازیهای قومی و مذهبی

اجزای مختلف روندهای ارتجاعی علیه مردم عراقند.

در این شرایط حزب کمونیست کارگری عراق تنها صدای متمایز، آزادیخواهانه و انسانی است که با "نه" گفتن به تمامی این جریان‌های ارتجاعی منافع و مصلحت مردم را نمایندگی میکند. حزب کمونیست کارگری این فرصت را پیدا کرده است که به میان مردم برود و اعلام کند که در تمایز با همه جریان‌های دیگر، تنها نیرویی بوده که علیه محاصره اقتصادی و گرسنه کردن شما، علیه جنگ و کشتار و بمب و موشک باران شهرها و محیط کار و زندگی شما، علیه تحمیل جریان‌های ارتجاعی اسلامی و ناسیونالیستی به نام نمایندگان شما، ایستادگی کرده است. میتواند اعلام کند بر خلاف دیگر جریان‌های که همواره با رژیم بعث بند و بست داشته و دنبال شریک شدن در قدرت با آن رژیم ضد مردمی بوده و دست و روی صدام جنایتکار را بوسیده، تنها نیروی سیاسی خواهان پایان حاکمیت سیاه رژیم بعث بوده است. تنها نیرویی بوده که در دفاع از حقوق زنان عراق، در دفاع از حقوق مدنی و پایبندی مردم عراق و علیه هر نوع ستم طبقاتی و جنسی و ملی اعمال شده و علیه شوینیسم رژیم بعث مبارزه کرده است. این حزب تنها نیرویی است که علیه ناسیونالیسم عرب و کرد و دست‌بندیهایی ارتجاعی ملی و اسلامی و قومی و عشیرتی دست پخت آنها و زمین‌سازی های آنها برای جنگهای قومی و مذهبی مبارزه میکند.

انکون و در دل این تحولات، اعمال اراده و حاکمیت مستقیم مردم عراق، آزادی و رفاه و برابری مردم، و پایان دادن به ستم و استثمار و فقر و فلاکت و بیکاری، تماما در گرو قدرت گرفتن کمونیسم و حزب کمونیست کارگری است. تضمین آزادی بی‌قید و شرط سیاسی، جدایی دین از دولت، حقوق برابر زن و مرد، لغو اعدام و جلوگیری از انتقامجوییهای کور، نداشتن زندانی سیاسی، جلوگیری از کشمکشها و پاکسازیهای قومی، مقابله با دولت پنتاگونی آمریکا و یا دولت "فدراتیو" قومی و مذهبی، و ایجاد دولت سکولار غیر قومی و غیر مذهبی در عراق، تماما در گرو به میدان آمدن جنبش رادیکال و آزادیخواهانه مردم عراق به رهبری حزب کمونیست کارگری عراق است. این حزب نور امید آینده سیاسی عراق است. تقویت این نور و این جنبش و حزب وظیفه هر انسان آگاه و آزاده در تحولات امروز عراق است.

در خاتمه می‌خواهم احساس خود را خطاب به رهبری، کادرها و اعضا و دوستداران حزب کمونیست کارگری عراق چنین بیان کنم که جامعه عراق دوران سرنوشت سازی را طی میکند

نامه سرگشاده مریم نمازی به دولت اردن در مورد پناهندگان ایرانی سرگردان در مرز اردن

۲۲ آوریل ۲۰۰۳

آقای ابو راغیب
نخست وزیر - عمان، اردن
فکس ۳۶۴-۲۵۲۰

آقای ققتان مجالی
وزیر داخلی - عمان - اردن
فکس ۵۶۰-۶۹۰۸

آقایان محترم راغیب و مجالی، من از طرف حزب کمونیست کارگری ایران و همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی برایتان نامه مینویسم که اعتراض شدید خود را در مورد امتناع دولت اردن از ورود بیش از هزار پناهنده که بسیاری از آنها ایرانی هستند و بیش از چهار صد نفر آنها کودک و نوزاد هستند و در منطقه غیر قابل زیست الکرمه، بین عراق و اردن، سرگردان شده اند، ابراز کنم. پناهجویانی که آنجا هستند به اطلاع ما رسانده اند که شمار این افراد دارد به دو هزار نفر میرسد و هر ساعت بر تعداد این پناهندگان افزوده میشود. بعضی از آنها هفته ها است که منتظر ورود به اردن هستند.

پناهجویان سرگردان اکثرا مخالفان سیاسی رژیم اسلامی ایران هستند که بخاطر حمله آمریکا و انگلستان به عراق و ناامنی حاصل از آن از کمپ پناهندگی الطاش در عراق فرار کرده اند. بعضی از آنها اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران هستند که بعد از حمله آمریکا به مقرهای آنان آواره شده اند. این پناهجویان اکنون در شرایط بسیار بدی بسر میبرند. آنها پناهگاه مناسب و غذای کافی ندارند و از هیچ نوع امکانات

بهداشتی و درمانی برخوردار نیستند و تعداد زیادی از آنها بشدت بیمارند و احتیاج به مراقبت فوری پزشکی دارند. احتمال شیوع بیماریهایی مانند وبا و اسهال خونی بسیار بالاست. در حالی که یک فاجعه انسانی در حال وقوع است و شرایط رو به وخامت میرود، دولت اردن همچنان از ورود این پناهجویان به اردن جلوگیری میکند. با معانعت از ورود این پناهجویان

به اردن، دولت شما نه تنها نرمهای بین المللی مبنی بر پناه دادن و حفاظت از افرادی که نیازمند حمایت می باشند را زیر پا نهاده است بلکه همچنین قرارداد بین کمیساریای عالی در امور پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) و وزیر داخلی اردن مبنی بر ارائه امداد انسانی و حفاظت بین‌المللی از پناهندگان و آوارگان را نیز نقض میکند. حزب کمونیست

کارگری ایران و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی تاکید می‌کند که تمام پناهجویان باید اجازه ورود به اردن را داشته باشند، کمکهای انسانی لازمه را دریافت کنند و از دیپورت آنها به کشورهایی که از آن فرار کردند، از جمله ایران، جلوگیری شود. طبق گفته مقامات اردنی آنها با سفارتخانه های مربوطه تماس گرفته اند که ترتیب "بازگرداندن این پناهجویان" را بدهند. پناهجویان سرگردان در مرز اردن کسانی هستند که از تعقیب و بازداشت توسط رژیم اسلامی ایران فرار کرده اند و مخالفان

سیاسی این رژیم هستند. در صورت بازگرداندن آنها به ایران، خطر شکنجه، اعدام و مجازاتهای غیر انسانی دیگری آنها را تهدید میکند. آنها نباید تحت هیچ شرایطی به ایران بازگردانده شوند. در ضمن، حق آنها برای پناهندگی



باید برسمیت شناخته شود. باوجود اینکه اردن جزء امضا کنندگان کنوانسیون پناهندگی نیست اما باید به UNHCR این امکان را بدهد که پروندههای پناهندگان را بررسی کند و آنها را به کشور امن ثالثی منتقل کند. از نقطه نظر ما تمام پناهجویان ایرانی باید بعنوان پناهنده پذیرفته شده و به کشور امنی منتقل شوند. تعداد اندکی که قبلا پذیرفته شده اند باید فوراً به کشوری که آنها را پذیرفته است منتقل شوند.

خواستهای حزب کمونیست کارگری ایران و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از دولت اردن به قرار زیر است:

- ۱- بازگشایی مرز اردن بر روی همه پناهجویان
- ۲- تامین غذا، مسکن، امکانات بهداشتی و درمانی مکنی برای این پناهجویان با همکاری کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل
- ۳- برسمیت شناسی حق پناهندگی برای همه پناهجویان ایرانی

ما منتظر دخالت فوری شما در مورد این وضعیت فوق العاده وخیم هستیم. لازم به گفتن نیست که دولت اردن مسئول امنیت و جان پناهجویان سرگردان در مرز این کشور است.

با احترام
مریم نمازی

از طرف دفتر روابط بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی رونوشت به: سازمانهای بین المللی حقوق بشر و حقوق انسانی، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و میلیا

تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

تکرار: چهارشنبه ها ساعت ۱۱:۳۰ شب

بوقت تهران

در شبکه تلویزیونی کانال یک

تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:

www.wpiran.org/TV

از صفحه ۱

مصاحبه با اسد گلچینی

امر سازماندهی در ایران را به پیش میبرد. کمیته تشکیلات کل کشور وظیفه دارد هر انسان آزادیخواهی را که علیه این رژیم و علیه این نظام میخواند مبارزه کند و به حزب جلب میشود را سازمان داده و او را در فعالیت و مبارزه اش یاری دهد.

محل استقرار این کمیته اکنون در خارج کشور است و از کانال تماسهایی که مسئولین ارتباط و سازماندهی کمیته با داخل کشور برقرار میکنند فعالیتش را پیش میبرد. در حال حاضر سازمان حزبی ما در داخل به شکل هرمی اداره نمیشود و مستقیماً بصورت شانه ای به کمیته کل کشور وصل هستند. این شیوه از کار از گسترش اطلاعات در یک شبکه و آسیب پذیری آنها جلوگیری میکند و فعالیت در شرایط اختناق جمهوری اسلامی را امن تر و ادامه کار تر میسازد. تاکید ما امروز بر فعالیت بر متن روابط طبیعی و اجتماعی موجود در جامعه و گسترش شبکه های مبارزاتی در محیط های اعتراضی ای که وجود دارد، گسترش نفوذ کمونیسم در درون این شبکه ها و جذب فعالین کمونیست و پیشرو به حزب است.

هفتگی: رشد روحیه مبارزاتی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و به چه چیزخین جامعه و توجه طیف وسیعی از مردم به حزب، مساله سازمانیابی مبارزات اقشار مختلف مردم را بیش از هر زمان ضروری میکند. پاسخ حزب به این مساله چیست؟ شما به کسی که میخواهد فعالیت با حزب را شروع کند چه توصیه ای دارید؟

اسد گلچینی: ابتدا میخواهم تاکید کنم که پیشبرد و رهبری مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی لازمه اش این است که مردم به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندند و حزب را ظرف طبیعی مبارزه خود تلقی کنند. توجه و علاقه مندی به حزب در این سالها در اثر حضور حزب در صحنه سیاسی جامعه و بعنوان نماینده "نه" مردم آزادیخواه به جمهوری اسلامی بوده است. پیروزی جنبش مردم برای سرنگونی این رژیم لازمه اش همراه شدن و پیوستن به حزب کمونیست کارگری بعنوان بهترین پاسخ به پیشبرد این مبارزه است.

در حال حاضر همانطور که شما هم اشاره کردید روحیه مبارزاتی مردم رشد کرده و این مبارزات به چه چیزخیده است، این یعنی حضور مردمی که بدرجاتی متشکل و متحدند و مبارزه بر علیه رژیم را در هر شکلی

که ممکن میدانند با هم پیش ببرند. با نگاهی به همین مبارزه و اعتراضات در جامعه میبینیم که بطور مثال مبارزه معلمان و تجمع های اعتراضی آنان در چند ساله اخیر، مبارزه و اعتراض مداوم کارگران، مبارزه دانشجویان، مبارزه و اعتراض همیشگی زنان و جوانان، همینطور مراسمها و تجمع و آکسیونهای اعتراضی که به مناسبت های مختلف شاهد آن هستیم همه و همه حاکی از وجود این جنبش و روابط بهم پیوسته ای است که حتی محافل اعتراضی در چند شهر را به هم پیوند میدهد. ما سابقاً با این سطح وسیع از ارتباط و اتحاد روبرو نبودیم. سالهای قبل این روابط اساساً محلود به جمع و محافل طبیعی موجود و محافل مبارزین و کمونیستها بود و به ندرت امکان ابراز وجود می یافت و خیلی ضعیف بود. در حال حاضر اینها در ابعاد بزرگی وجود دارند، محافل، جمع ها، گروه ها و شبکه ها، پاتوق و مراکز تجمع، انجمن و سازمان هایی وجود دارند که می بینیم مبارزات و اعتراضات موجود بر شبکه ای از این ارتباطات متکی است. اینها همه مکانیزم سازمانیابی مبارزات کنونی در جامعه است. به عبارت دیگر گسترش و فراگیر شدن مبارزات، سازمانیابی متناسب با خود و همینطور رهبران آن مبارزات را بوجود میآورد و این مبنای فعالیت هر سازمانده و رهبر هر مبارزه ای میباشد. فعالیت ما در داخل کشور بر متن همین روابط و مناسبات پیش میروند. کار ما و دخالت ما این است که این روابط و سازمان ها و تجمع ها را هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ فعالیت عملی، روشن بین و متکی بر خواستها و مطالبات واقعی تشکیل دهندگان کنیم و هم طیف چپ و کمونیست آن را در بطن همین روابط و مبارزه بعنوان فعالین و رهبران آن آماده تر و منسجم تر کنیم. تشکیلات حزب کمونیست کارگری در شهرها میخواهد که با شرکت فعال در این مبارزات و با طرح و شناساندن سیاستهای حزب هر چه بیشتر و عمیقتر این مبارزات و رهبران و پیشروان آن را با حزب چفت کند. قوی شدن چپ در این مبارزات یعنی اینکه مردم خواستهایشان را روشن تر میتوانند بیان کنند. حزب کمونیست کارگری ایران پرچمدار این رادیکالیسم و پرچمدار خواستهای واقعی مردم است. جای این نیروی چپ در حزب کمونیست کارگری ایران است. ما میخواهیم این چپ حزب برایش ظرف متحد شدن باشد و در حزب سازمان بدهیم.

در شرایطی که این مبارزات دارند گسترده تر میشوند ما کارمان این است که سازمانیابی کنونی را در هر کجا که ممکن گردد به سازمان هایی توده ای و به ابزار اعمال اراده مستقیم مردم تبدیل کنیم. به این معنی که در هر محل و کارخانه و دانشگاه و مدرسه و منطقه ای شوراها و مجامع عمومی به صورت تشکل هایی پایدار در آیند و رهبران و فعالین این مبارزات بتوانند با اتکاء به نیروی بزرگی که دارند قدم به قدم مبارزه جاری را در جهت خواستهای آن جلو ببرند. شرط لازم برای این فعالیت این است که اولاً رهبران و فعالین این مبارزه دارای سیاستهای کمونیستی و روشن بوده که در هر صحنه ای و در برابر هر پیش آمد و موانعی در این مبارزه بتوانند راه مناسب را تشخیص دهند و بعنوان رهبران مردم قابل اتکا گردند. و ثانیاً حضور فعال این سیاستها را با حضور در مبارزه مردم بر علیه جمهوری اسلامی تضمین کنند. در حال حاضر طیف بزرگی از این فعالین و رهبران وجود دارند، سیاستهای حزب و روشهای مبارزه اش باید به سنت و عادت در میان آنها تبدیل شود. این راه بزرگ کردن حزب و پیوستن و جذب هر چه بیشتر به حزب است. اینها کار ما و کادرها و اعضای حزب در داخل کشور است. و بر این مهم تاکید کنم که تقویت، گسترش و انسجام جنبش کمونیسم کارگری و وجود مستحکم حزب کمونیست کارگری بلون مطالعه و در اختیار داشتن ادبیات منصور حکمت و حزب، ممکن نیست. این یک کار حیاتی ماست.

و به کسی هم که میخواهد با حزب فعالیت را شروع کند، وظایف زیر را پیشنهاد میکنیم.

- ۱- با حزب تماس بگیرند
- ۲- نشریات حزب را بگیرند، تکثیر و توزیع کنند
- ۳- روابط خود را گسترش دهند
- ۴- در مبارزه سیاسی جامعه فعالانه شرکت کنند.

هفتگی: درباره کار حزب درون طبقه کارگر و کمک رساندن به مبارزات آنان چه نظری دارید؟

اسد گلچینی: در میان کارگران نیز ما شاهد سازمانیابی وسیع تری به نسبت گذشته هستیم. روابط مبارزاتی از سطح یک محل کار و کارخانه در موارد قابل توجهی بیرون رفته است. اشکال مبارزه برای تحقق خواستها تغییرات بیشتری کرده و مبارزه طبقه کارگر از طریق اعتراض و تجمع و اعتصاب و تظاهرات و به خیابان آمدن برای بهبود کار و زندگی در تلاشی همیشگی است. حزب همچون همیشه همراه با این مبارزات و در تلاش برای سازماندهی و تاثیر بر آن

است. نکاتی که در پاسخ به سوال اول اشاره کردم در اینجا هم صدق میکند. کارگران در جنبش مردم برای سرنگونی رژیم و خلاصی از دست آن در مبارزه ای همیشگی اند. اینجا هم ما و کادر ها و فعالین حزب در تلاش برای سازماندهی طیف کمونیست ها در میان کارگران و رهبری مبارزه طبقه کارگر هستیم. حزب کمونیست کارگری طبیعی ترین ظرف و سازمان و مبارزه کارگران باید باشد. بطوری که رهبران و فعالین کارگری و توده کارگر حزب را حزب خود بدانند. تا الان هم اینطور بوده که هر کارگری که منفعت طبقه خود را میشناسد حزب را مال خود و خود را در حزب احساس کرده است.

واقعیت این است که طبقه کارگر تحت شدیدترین استثمار است و از آزادی و حق داشتن تشکل های توده ای خود محروم است و این مانعی بزرگ در مبارزات کارگران و در رسیدن به خواستهایشان بوده است. طبقه سرمایه دار و دولت جمهوری اسلامی منافعشان در حفظ این شرایط است و مبارزه کارگران و ما تغییر این موقعیت است.

برای تغییر این وضعیت و مبارزه بر علیه این شرایط باید تلاش کرد. هر تلاشی در این جهت که بتواند مایه امیدی باشد و ما را قدمی به جلو ببرد مورد استقبال ما قرار خواهد گرفت. در حال حاضر هم روابط بسیار گسترده ای از طرف فعالین و مبارزین کمونیست وجود دارد و در اعتراض و مبارزات تاکنونی هم بعنوان فعالین و رهبران این مبارزات حضور داشته اند. همه اینها را باید محکم چسبید و با دخالت خود گسترش داد. محافل

کارگران کمونیست و شبکه های مبارزاتی که در آن حضور دارند بهترین بستر برای سازمانیابی و فعالیت برای متحد و منسجم کردن صف کمونیسم کارگری در میان طبقه کارگر است. مبارزات کارگران بر مجامع عمومی و شوراها کارگری باید متکی شود. محرومیت طبقه کارگر از یک همچنین تشکل علنی و توده ای، یک معضل فوری و همین امروز جنبش کارگری در ایران است. در شرایطی که تشکل مجامع عمومی به امر هر روزه اعتراضات کارگری تبدیل شده است، میشود و باید پیش از هر وقت بر روی منظم شدن این مجامع بعنوان نطفه های پایه ای شوراها کارگری و ظرف اعمال اراده مستقیم کارگران تاکید کرد.

ما میکوشیم با تمام قوا برای مبارزات کارگری حمایت و پشتیبانی جلب کنیم. با انعکاس اخبار آن در سطح داخلی و بین المللی همبستگی هر چه بیشتری در حمایت و پشتیبانی از این مبارزات بوجود آوریم. چه در داخل و چه در خارج کشور مردم آزادیخواه را به حمایت و همبستگی با این اعتراضات فرابخوانیم و کاری کنیم که این مبارزات مورد حمایت دیگر بخشها و همچنین مردم مبارز قرار بگیرد، و با مبارزه مردم چفت شوند. ما تلاش میکنیم که اخبار دریافتی را از طریق رسانه های خود منعکس کنیم و همچنین آنها را به گوش دیگر کارگران و تشکلهای کارگری در سطح بین المللی برسانیم. در اینجا لازم است تاکید کنم که ارسال اخبار مبارزات کارگری و هر حرکت و اعتراضی برای حزب بسیار با ارزش و مهم است. ■

برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون "کانال ۱"

سه شنبه: ۱۱:۳۰ شب

پنجشنبه: ۶:۳۰ بعد از ظهر

جمعه: ۱۲ ظهر

شنبه: ۶:۳۰ بعد از ظهر

بوقت تهران

راديو انترناسیونال

۲۱ متر - ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

راديو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ تجربه بهشهر: ...

روز دوشنبه هزاران نفر از کارگران و مردم بهشهر در مقابل فرمانداری تجمع میکنند. نیروهای سرکوبگر مجدداً به کارگران یورش میبرند و درگیری آغاز میشود. از رشت نیروی کمکی مزدوران به بهشهر اعزام میشود، هلیکوپترهای مسلح از تهران به بهشهر پرواز میکنند و غروب در بهشهر حکومت نظامی برقرار میشود و به این ترتیب اوضاع بحرانی بهشهر موقتاً "مهتر" میگردد.

پدیده کار بدون دستمزد در حکومت اسلامی

حدود پنج سال است که پدیده عجیب و بغایت جنایتکارانه عدم پرداخت دستمزد کارگران در جمهوری اسلامی در جریان است. رسماً و علناً از کارگر کار میکشند و دستمزدش را نمیدهند. فقط آمار خود مزدوران رژیم حاکی از اینست که صد هزار کارگر از سه ماه تا دو سال و نیم دستمزدشان را دریافت نکرده اند. و این تازه در شرایطی است، که باز هم بنا به آمار خودشان، بخش اعظم کارگران ایران اگر دستمزدشان سه برابر افزایش یابد تازه به خط فقر میرسند! کدام منطق جز منطق جمهوری اسلامی و معیارهای حکومت "عدل علی" این رفتار با کارگران را توضیح میدهد؟ سردمداران حکومت و آیت الله های گردن کلفت به روی نامبارکشان نیامورند که کارگری که دو سال دستمزد نگرفته چگونه خود و خانواده گرسنه اش به حیات ادامه داده است. اما وقاحت این وحوش اسلامی فراتر از اینهاست. در مقابل اعتراض کارگران و درخواست شان برای پرداخت دستمزدها ابتدا وعده سر خرمن میدهند و سپس اعتراض و درخواست مجدد کارگر را با باتوم و گلوله و یورش مزدورانش جواب میدهد. باین ترتیب عملاً به کارگران اعلام میکنند که پولتان را نمیدهیم و اگر اعتراض کنید میزیم! این

حشاش را با زور مبارزه متحد و موثر از حلقوم این جانیان بشر بیرون بکشند. رژیم اسلامی بیست و پنج سال است که زندگی اکثریت مردم جامعه را به تباهی کشانده و فقر و زجر و بی تاملی را به مردم تحمیل کرده و نان شب آنها را گرو گرفته است. مردم نمیتوانند و نباید شاهد گرسنگی فرزندانشان باشند تا سرمایه داران اسلامی گردنشان را کلفت تر بکنند.

تجربه بهشهر:

کارگران باید سراسری به میدان بیایند

تجربه بهشهر از دو نظر قابل توجه است. از یکسو بعنوان یک حرکت سیاسی مهم یک پیروزی و دستاورد بزرگ برای کارگران و مردم است. این اولین بار نبود که مردم یک شهر در ابعاد وسیع به پشتیبانی از مبارزه کارگران دست میزنند، اما نمونه بهشهر جزو مهمترین آنها بود. این حمایت وسیع و همکارایی پدیدار اولاً تأکیدی بر رشد جنبش سرنگونی و شتاب گرفتن آن است که آمادگی و عزم جزم مردم را برای رویارویی با حکومت اسلامی نشان میدهد. ثانیاً این حرکت نشانه اینست که کارگران چیت سازی ها علاوه بر سازماندهی یک حرکت هماهنگ میان خود، در متن مبارزات تاکتونی و ارتباطاتی که با کارگران دیگر کارخانه ها و مردم داشته اند، توانسته اند درجه بالائی از نفوذ و اعتبار رهبران کارگری را در میان مردم تأمین کنند و یک اعتراض بزرگ را رهبری کنند، که خود این بطور قطع محصول عروج رهبران با نفوذ و معتبر در میان آنها و همچنین ارتباط تنگاتنگ بین محافل مختلف از رهبران کارگری است. بعنوان یک نتیجه مهم از وجود چنین رهبران و ارتباط بین محافل رهبری باید به انتخاب تعدادی از نمایندگان کارگران و تحمیل آنها به حکومت اسلامی اشاره کرد. و بالاخره نکته سوم مربوط به رابطه مردم با مبارزات کارگری است. این پتانسیل که مردم یک شهر در ابعاد خیلی وسیع به تظاهرات کارگران میپیوندند و از آن حمایت میکنند، پیام مهمی

از طرف مردم به طبقه کارگر دارد. از یکسو اعتبار و اهمیت مبارزه کارگری را در جنبش سرنگونی نزد مردم نشان میدهد و از سوی دیگر به رهبری کارگران در مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی نقش برجسته ای میدهد. از اینرو نمونه بهشهر یک نمونه تپیک از جنبش است که کارگر در راس مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار میگیرد و در بهشهر این زمانی تأمین شد که خود کارگران با هیبت و قدرت به جلو آمدند. و بنظر من این نکته است که باید توجه کل طبقه کارگر و بویژه کارگران مراکز مهم و کلیدی در ایران را باید جلب کند، که اگر کارگران قدرتمند جلو آمدند آنگاه مردم در ابعاد وسیع پشتیبانی میکنند. دلیلش هم بروشنی این است که از یکسو افشار مختلف مردم در کمین جمهوری اسلامی هستند و برای بزیر کشیدن دنیال فرصت هستند، و از سوی دیگر اهمیت نقش کارگران در زمینگیر کردن جمهوری اسلامی برای مردم روشن است، نه تنها با توجه به ۵۷، بلکه بدلیل مشاهده جایگاه و موقعیت کارگر در تولید و توان او در ایجاد تحولات بنیادی در جامعه. نکته دیگری که در تجربه بهشهر قابل توجه و مهم است مربوط به اهمیت جدی سراسری شدن مبارزات کارگران و متحد شدن بخش های مختلف طبقه بر سر مطالبات روشن و معینی است. جمهوری اسلامی برای مهار حرکت کارگران بهشهر مجبور شد نیروهای سرکوبگرش را از شهرهای دیگر بیاورد و به بهشهر لشکرکشی کند، هلیکوپتر از تهران بفرستد و سپاه پاسداران را به حالت آماده باش در بیاورد، و بالاخره با ایجاد حکومت نظامی موقتاً وقتی بخرد تا برای جلوگیری از اعتراضات یعنی کارگران خاکی بسرش بریزد. خود این اقدامات رژیم دو نکته را تأکید میکنند. اول اینکه رژیم قادر به مهار کردن اعتراضات سراسری و در چند شهر کارگران و مردم نیست، مگر اینکه ارتش یک کشور دیگر را خبر کند! و دوم اینکه مبارزه کارگران

سخنرانی - موزیک - نمایشگاه عکس

مردم آزادیخواه!

برای گرامیداشت روز اتحاد بین المللی طبقه کارگر، در دفاع از جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهی در جهان، علیه قدرقدرتی آمریکا و نظم نوین جهانی آن، و برای محکومیت حضور نظامی آمریکا و متحدینش در عراق، به خیابان بیائید و در میتینگ روز جهانی کارگر شرکت کنید.

میتینگ اول ماه مه در تورنتو

شنبه، ۳ مه ۲۰۰۳، ساعت ۲ بعدازظهر

Dundas Square (Yonge & Dundas)

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق - واحد کانادا
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد کانادا